



موج نو گفتیم، با اضافه کردن قدرت ایجاد ارتباط با مخاطب، به این شاخه از شعر موج نو مربوط میشود.

اما همین شاخه دارای فروعی نیز می باشد. آغازکننده ی اولین دسته شعر از فروع این شاخه ی شعر موج نو را نیز باید احمد رضا احمدی دانست. او باصرار در شعر خویش از وزن دوری می کند و بکار بردن آن را لازم نمیداند و بهمین دلیل این شاخه از «شعر موج نوی اصیل» را «نثر گرایان اصیل» نام می نهیم.

۳

احمد رضا احمدی در مورد وزن شعر می گوید:

«مسئله ی وزن، از نظر من، مثل مسئله ی فیلمبرداری ترو تمیزی است (که خود فیلم نمی باشد). (یعنی) يك مقدار تكنيك است... (مثل) يك دوائی است که فرمولش را کشف کرده اند، یا نوری است که با (کمک) نورسنج میتوان بهترین وضع را به آن داد. (بدون وزن) البته يك مقدار محدودیت ایجاد میشود، اما من ساضر نیستم يك کلمه را بخاطر وزن بکشم، من وزن را (بخاطر کلمه) می کشم...» (۱) (\*)

۴

از شاعران این شاخه ی «نثر گرائی» می توان عده زیادی را نام برد. مهمترین آنها عبارتند از محمد رضا اصلانی، شاهرخ صفائی، شهرام شاهرخ تاش، فریدون معزی مقدم، م. نوفل، محمد رضا فشاهی، عظیم خلیلی، مجید نفیسی، و تیرداد نصری.

در کار این شاعران اغلب توجهی به وزن دیده نمیشود، لیکن در آثار همه ی آنها کوششی برای دست یافتن به يك زبان بافت دار و گاه ضرب دار (ریتمیک) کاملاً بچشم میخورد. بخصوص در این مورد کوشش شهرام شاهرخ تاش بیش از دیگران قرین توفیق بوده است.

۱- گفت و شنودی درباره ی موج نوی شعر امروز - مجله ی بازار رشت -

۵

دومین شاخه از شعر «موج نوی اصیل» به «نظم گرایان اصیل» تعلق دارد.

کوشش در این قلمرو بشکل محدود تری عرضه شده است و در عین حال این کوششها بیشتر با الهام از تجربه های دو مکتب «نوآوران» و «شکل گرایان» در شعر نوی نیمائی بوده است.

وجود همین شاخه از شعر موج نو بخوبی کذب این مدعا را، که یکی از خصوصیات شعر این موج توسل به «نثر» است، روشن میسازد. شاید جواد مجایی دومین کسی باشد که در این رشته تجربه هایی کرده است. در عین حال آثار حسین مهدوی (م. مؤید) را نیز نمی توان در این مورد نادیده گرفت.

۶

اما در کنار شاخه ی «شعر موج نوی اصیل» ما به شاخه ی دیگری از شعر موج نو برمی خوریم که کار خود را بر پایه ی يك مقدار از تجارب خاص احمد رضا احمدی که در واقع جزو کارهای اصیل او محسوب نمی شوند قرار داده است.

این شاخه را ما «موج نوی مشکل» نام میگذاریم. بدون شك همه ی خصوصیات موج نو - بطور کلی - در مورد این شاخه نیز صادق است، با این تفاوت که اگر در شاخه ی اصیل موج نو کوشش در وجود آوردن وسایل ایجاد رابط همچنان برقرار است، در این شاخه ی دوم، شعر بصورت مشکل و نا مفهوم و اصم درآمده و گاه ایجاد رابطه با آن غیر ممکن میشود. (\*)

اگر شعر موج نوی اصیل میراث مکاتب «جویندگان» و «تصویر سازان» را با خود دارد، شعر این شاخه از موج نو بیشتر چشم به کوششهای شاخه ی «شعر نوی حاشیه ای» دارد و میکوشد تا از تجارب دست نخورده ی آنها استفاده کند.

۷

وجود شعر «موج نوی مشکل» باعث شده است تا بطور کلی شعر موج نو نتواند بزودی حقانیت خود را به اثبات رسانده و مورد استقبال قرار گیرد. اگر رضا براهنی شعر احمد رضا احمدی را شعری بچگانه و بی منطق

می‌داند (۱) به همین قسمت از آثار او که جزو آثار اصلی او محسوب نمی‌شوند چشم‌دارد و اگر عبدالعلی دستغیب وجود چنین موحی را بعنوان يك تحول شعری انکار می‌کند، باز بیشتر روی سخنش با شاعران این شاخه از شعر موج‌نوست. (۲) (\*).

۸

اما همین شاخه‌ی «موج‌نوی مشکل» نیز خود بدو قسمت تقسیم می‌شود. اولین قسمت همچنان از آن «نثر گرایان مشکل‌گو» ست. اولین کسی که در این راه قدم می‌زند **بیژن الهی** ست. او که در اشعار نخستین خود تمایلی به ساده‌گویی و ایجاد رابطه با خواننده دارد رفته رفته از این کار سر باز می‌زند و اشعارش به یکباره تبدیل به حجمی سیاه و دست نیافتنی می‌گردد. او بدون شك شاعر قدرتمندی است که متأسفانه براه مشکل‌گویی با گذاشته است. پس از او می‌توان از بهرام اردبیلی، پرویز اسلام‌پور، هوتن نجات، حسین رسائل و حمید عرفان نام برد که هر يك در راه این مشکل‌گویی بشدت افراط کارند.

۹

دومین شعبه‌ی «موج‌نوی مشکل» از آن «نظم‌گرایان مشکل‌گو» ست، و سرنوشت این شعبه بسیار جالب است. یدالله رویائی، شاعری که از «شعرنوی میان‌ره» برید تا به «محتوی گرایان» در شعر نوی نیمایی بپیوندد، و سپس شعبه‌ی «شکل‌گرایان» را در شعر نوی نیمایی بوجود آورد، بزودی، مجذوب شعر موج‌نوشد. او ابتدا در تحسین و تشویق (۳) (\*). در آمد و سپس بعلت آشنائی و نزدیکی به این موج‌گروید و همه‌ی تسلط شاعرانه‌ی خویش را بعنوان مدرن‌ترین شاعر ایران در اختیار این موج نهاد، اما متأسفانه بجای آنکه اصالت موج‌نورا تشخیص

۱- رضا براهنی - نقد شعرا احمد رضا احمدی - مجله‌ی فردوسی - شماره‌ی

۸۸۰-۱۳۴۷

۲- از گفتگو با عبدالعلی دستغیب - مجله‌ی فردوسی - شماره‌ی های

۸۷۲ تا ۸۷۴ - مرداد و شهریور ۱۳۴۷

۳- یدالله رویائی در چند جا از شعر موج‌نوی حمایت کرده است، از جمله

در مصاحبه‌هایش در مجلات نگین، خوشه و بازار.

داده و به تکمیل و توسعه‌ی شاخه‌ی «موج‌نوی اصیل» پردازد به شاخه‌ی «موج‌نوی مشکل» روی آورد و «نظم‌گرائی مشکل‌گو» شد.

۱۰

بدین ترتیب تقسیم‌بندی اشعار موج‌نوی پایان می‌رسد. در این مختصر فرصت شناسائی بیشتر این موج و شعب آن نیست، چرا که از يك سو ماهنوز در گرم‌گرم‌کار آن‌ها قرار داریم و مطالعه‌ی این فروع بدین سبب خالی از اشکال نمی‌تواند بود، و از سوی دیگر کتاب حاضر بیشتر برای معرفی نهضت‌های شعرنوی نیمایی برشته‌ی تحریر درآمده است و فصولی چند که به شعر موج‌نوی اختصاصی داده شده است، بیشتر برای حفظ تداوم کتاب و معرفی تحولات جدید شعری بوده است تا معرفی دقیق شعر موج‌نوی.

## فصل چهل و دوم

☆ - صفحه‌ی ۳۱۸: فروغ فرخزاد در مورد وزن شعرا احمد رضا

احمدی می‌گوید:

«شاملو بعضی وقت‌ها واقعا افراط می‌کند، من در این زمینه فقط به دو نفر برخورد کردم که واقعا وقتی شعرشان را می‌خواندم حس می‌کردم که احتیاجی به وزن ندارم، یکی علی رضا احمدی، و یکی بیژن جلالی.» (مجله‌ی آرش - ویژه‌ی فروغ فرخزاد - شماره‌ی ۱۳ - اسفند ۱۳۴۵ - ص ۶۰)

سیروس طاهباز تذکر می‌دهد که منظور فروغ فرخزاد از علی رضا احمدی

همان احمد رضا احمدی است. نکته‌ی جالب توجه آنست که این تکه، قسمتی از مصاحبه‌ی فروغ فرخزاد است که در مجله‌ی آرش - شماره‌ی ۸ - بهار ۱۳۴۳ چاپ شده و در آن زمان سیروس طاهرباز صلاح ندانسته بود که، با آوردن این حمله، با اصطلاح احمدی را پرو کند. این است که ما اظهار نظر فروغ را در سال ۱۳۴۵ است که می‌خوانیم.

توجه داشته باشید که این اظهار نظر مانع از آن نیست که فروغ فرخزاد در شعر احمدی نیز بی‌وزنی را یک نقیصه بدانند. برای روشن شدن مطلب مراجعه کنید به:

نامه‌ی فروغ فرخزاد به احمد رضا احمدی - دفترهای زمانه - دفتر یک - بهمن ۱۳۴۶ - ص ۲۸۰.

☆ - صفحه‌ی ۳۱۹: برای آشنائی بیشتر با خصوصیات شعر موج نوی مشکل رجوع کنید به مقالاتی درباره‌ی شعر - از اسماعیل نوری علاء - مجله‌ی خوشه - بخش هوای تازه - از شماره یک تا سیزده - زمستان ۱۳۴۵ و بهار ۱۳۴۶.

☆ - صفحه‌ی ۳۲۰ - بند ۷: در همین زمینه مراجعه کنید به:  
 ۱ - نظری به شعر امروز - محمود کیا نوش - با نام مستعار «مهرک» - مجله‌ی سخن - دوره‌ی هفدهم - شماره‌ی اول - فروردین ماه ۱۳۴۶ - ص ۷  
 ۲ - گفتگو با نادر نادرپور - روزنامه‌ی آیندگان - یکشنبه ۱۳ مرداد ۱۳۴۷.  
 ۳ - گفتگوی فریدون مشیری با نادر نادرپور - مجله‌ی روشنفکر - شماره‌ی ۷۰۱ - ص ۳۱.

☆ - صفحه‌ی ۳۲۰ - بند ۹: یدالله رویایی از نخستین روزها به شعر موج نوبا نظر موافق می‌نگریست. این قسمتی از مصاحبه‌ی اوست (با اسماعیل نوری علاء، بهرام اردبیلی و بیژن کلکی - مجله‌ی خوشه - شماره‌ی ۵۴۴ - مرداد ۱۳۴۵):

«من منتقدم که باید برای (شعر موج نو) تکنیکی ایجاد کرد. برای اینکه

چنین تکنیکی باین حرکت نوهموار شود، تا به بیراهه نزنند و اندیشه و احساس شاعر هرز نرود، باید دارای پرنسیب‌هایی باشد که نسل‌های کهن نکویند روزی هزار تایش را میشود بافت! (البته) نسل نو پر شور و ملتهب است - و این شور و التهب واقماً دوست داشتنی است و نباید منکر این شور و التهب شد. این درخشان‌ترین حالتی است که در تاریخ ادبیات معاصر ما بوجود آمده و نباید به آن بی‌اعتناء بود. بایستی برخلاف بعضی‌ها نسبت به این موج نوی شعری حسن نیت داشت. این واقعیتی است که بهیچ وجه نمیشود به طنز و طعنه گرفت - آنطور که گاهی می‌گیرند - و باید به شاعران پیشنهادها و توصیه‌هایی کرد، که مثلاً: مصرع‌ها هر چند بلند و کوتاه باشد، باید نوعی آهنگ و وزن داشته باشد - چه عروضی و چه غیر عروضی. باید از ریتم سیلابی شعرهایی که در کشورهای دیگرست، یا از وزن‌های فولکوریا، موسیقی ملی خودمان، و بعد از روان‌شناسی فرم استفاده کرد. یعنی (شاعر) وقتی مجموع یک سری از مصرع‌ها را بعنوان یک شعر ارائه میدهد، باید از کمپوزیسیون و از تکنیک کمپوزیسیون (= ترکیب و ساختمان) و از ریتمی (= ضربی) که در زندگی ماهست استفاده کند. این فصلی است از ادبیات که باید برایش پرنسیب قایل شد، این پرنسیب‌ها را اگر بصراحت ارائه نمیدهند باید طوری ارائه دهند که (قابل) کشف (باشد). ... باید فرم ساختن یاد بگیرند، باید استتیک (= زیبایی شناسی) یاد بگیرند. این تاریخ هنر خواندن می‌خواهد، نگاه کردن می‌خواهد، فکر کردن می‌خواهد، رفتن توی طبیعت می‌خواهد، و وارستگی می‌خواهد ...»

یدالله رویایی در مصاحبه‌ای با مسعود بهنود (مجله‌ی فردوسی - شماره‌ی ۸۹۶ - بهمن ماه ۱۳۴۷) بار دیگر این پیشنهادات را مطرح می‌کند و حتی پیشنهاد می‌کند که «مانیفستی» در این زمینه منتشر شود. وی می‌گوید:  
 «می‌توان مانیفست ساخت تا ضابطه‌ای باشد و هر نثر ادبی شعر نشود. اگر چنین پرنسیب‌هایی تثبیت شود، می‌توان امیدوار بود که غنائی پیش می‌آید که در تاریخ ادبیات ما (می‌تواند) در کنار غناهای دیگر بنشیند.»

اما شعر یدالله رویایی - وقتی به موج نوی پوست - نشان داد که صرف رعایت این پرنسیب‌ها نمی‌توان به شعر خوب دست یافت، و جوهر شعر و لزوم ایجاد ارتباط - با همه‌ی مفاهیمی که می‌توانند داشته باشند - همچنان بالاتراز هر پرنسیب و مانیفستی قرار دارند.